

حق مؤلف

عبدالحسین آذرنگ^۱

چکیده: هدف این مقاله، بررسی ابعاد و جوانب موضوع "حق مؤلف" و ارائه آن به گونه‌ای است که خوانندگان علاقه‌مند، و به ویژه دانشجویان، بر نکات و مسائل اصلی بحث تا حد امکان مسلط شوند، بابه اصطلاح، بحثی که گسترده شده است، جمع و جور شود. حق مؤلف، هم‌اکنون یکی از مسائل ما، و بالاخص از مسائل حساس و حساسیت برانگیز نشر ما، و از موضوعاتی است که همهٔ دست‌آوردان کتاب با نگرشها و حساسیت‌های متفاوت آن را دنبال می‌کنند. موضوع پیوستن یا نپیوستن ایران به یکی از معاهده‌های جهانی حق مؤلف، نیز از جمله نکاتی است که این حساسیت را تشدید می‌کند. مقاله حاضر بازنوشته بخشی از کتابی است در باب چاپ و نشر برای دانشجویان، و بالاخص دانشجویان رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی.

نکته سرآغاز

"حق مؤلف" معادلی است که در برابر اصطلاح فرانسوی *droit d'auteur* وضع کرده‌اند. در زبان انگلیسی به آن *copyright* (کپی‌رایت) می‌گویند که در املای معمول فارسی بیشتر به صورت "کپی‌رایت" می‌نویسند. کسی که اثری را پدید می‌آورد، معمولاً قانونهای کشورها او را پدیدآورنده (نویسنده، مؤلف، مصنف، مدون، شاعر، آهنگساز، نقاش، ترانه‌سرا، و مانند آنها) می‌شناسد و حقوقی را به لحاظ پدید آمدن اثرش برای او در نظر می‌گیرند و به رسمیت می‌شناسند، مشروط بر آنکه اثر اصالت داشته باشد و از آثار گذشتگان و دیگران در پدید آوردن آن، استفاده غیرمجاز نشده باشد. البته تعریف دقیق و حدود هر یک از این مفاهیم در قانونهای مختلف تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد.

حق مؤلف، تنها به حق مالی یا حق اقتصادی محدود نیست؛ هر چند که پدیدآورانی هستند که زندگی آنها فقط از راه درآمد حاصل از فروش آثارشان می‌گذرد. حق مؤلف، مالکیت فکری و معنوی آثار را به رسمیت می‌شناسد و جامعه را ملزم می‌سازد که آن را محترم بدارد و حقوق قانونی

۱. عضو هیئت علمی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی

پیش‌بینی شده و ناشی از آن را مراعات کند. حق مؤلف، حتی از این هم فزاینده‌تر می‌رود و برای پدیدآورنده نوعی حق اخلاقی قابل می‌شود و آن را مشمول حمایت خود قرار می‌دهد. در واقع همهٔ قانونهای حق مؤلف سعی دارند که:

- منافع قانونی و بحق پدیدآورندگان را حفظ کنند؛

- آنان را از آسیبهای استثمار و سوءاستفاده مصون دارند؛

- روابط فردی، روحی، روانی، معنوی، و اخلاقی پدیدآورنده را با اثرش، که بخشی از وجود

و ادامه‌ای از شخصیت اوست، از هرگونه تعدی در امان نگه دارند؛

- و به طور کلی رابطهٔ پدیدآورنده و اثرش را با جامعه تنظیم و در چارچوب قانون و در کنار

سایر قوانین تنظیم‌کننده قرار دهند.

اما، بر سر این نکات کلی که گفتیم توافق نیست. در کشورها، فرهنگها، و مکتبهای فکری

مختلف برداشتها و روشها متفاوت است. برای آگاهی از برخی علتها و دلایل عمدهٔ اختلاف‌نظر،

اشاره به چند نکته، که مبنای استدلالهای حقوقی است، ضرورت دارد.

مبناهای حقوقی حق مؤلف

به طور خلاصه، پدیدآوری که اثری را به وجود می‌آورد، نسبت به اثر خود دو حق دارد

(۱) حق مادی (۲) حق معنوی. حق مادی این است که مزد زحماتش از آن خود او باشد و کس

دیگری از آن سوء استفاده نکند. امتیاز یا انحصار اثرش در اختیار خودش قرار بگیرد و بتواند

هرطور که می‌خواهد و با هر کس که صلاح می‌داند قرارداد ببندد و اثرش را به جامعه عرضه کند

و به آگاهی مخاطبانی که در نظر دارد، برساند. دربارهٔ همین حق مادی میان قانونهای مختلف حق

مؤلف اختلاف نگرش و روش هست.

حق معنوی این است که پدیدآور سوای حقوق مادی از حقوق دیگری نیز برخوردار است که

اصطلاحاً به آنها معنوی، و گاه نیز اخلاقی، می‌گویند، مانند اینکه: اثرش به نام خود او شناخته

شود؛ هرگاه که خواست بتواند در آن دست ببرد، تغییر دهد، جابه‌جا کند، از نو بنویسد، به شکل

دیگری ارائه دهد، برآن بیفزاید، از آن بکاهد، و نظایر آن؛ و این کارها هیچ‌گاه و از سوی هیچ‌کسی

بدون اجازهٔ او صورت نگیرد. برای مثال، زمانی که اثری را برمی‌دارند و بدون اجازهٔ پدیدآور آن

تجدید چاپ می‌کنند، ولو آنکه در چاپ آن هیچ‌گونه تغییری ندهند، نام پدیدآورنده را در

مواضع مناسب و به صورت مناسب بگذارند، و حاضر باشند حقوق مادی او را نیز بی‌کم و

کاست بپردازند، بنابه همان حقوقی که گفتیم، مرتکب عمل خلاف می‌شوند؛ زیرا پدیدآورنده با

این عمل از حق اعمال نظر نسبت به اثر خودش محروم می‌شود.

حقوقدانان درباره ماهیت حقی که از پدیدآوردن آثار ناشی می‌شود، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و از این رو نظریات مختلفی پرداخته‌اند، برای مثال، طرفداران نظریه مالکیت عینی، اثر را ملک شخصی پدیدآورنده می‌انگارند و همه حقوقی را که برای صاحبان ملک در باب ملک خودشان قایل هستند، عیناً برای پدیدآورندگان نیز قایل‌اند. طرفداران نظریه مالکیت معنوی می‌گویند اثر محدود به زمان و غالباً غیرقابل انتقال است، و از این رو حق معنوی اثر با حق مالکیت تفاوت دارد. پیروان نظریه حق شخصی برای پدیدآورنده مجموعه‌ای از امتیازهای قانونی قایل‌اند. مدافعان نظریه شبه مالکیت، حق مالکیت پدیدآورنده را کامل نمی‌دانند و آن را شبه مالکیت به شمار می‌آورند، نه مالکیت تام و تمام. موافقان نظریه حق مؤلف و حقوق کار این طور استدلال می‌کنند که حق پدیدآورنده که محصول و ناشی از کار اوست، تابع حقوق کار است.

برای سادگی بحث، همین نکته‌ها را می‌توان به این صورت نیز خلاصه کرد: حقوقدانانی که به نظریه اصالت حقوق فردی معتقدند، میان محصول فکری و کاربردی فرقی نمی‌گذارند، و هرگونه محصول فکری را "مال" قلمداد می‌کنند و قانون را به حمایت از مال و حق استفاده از عواید قانونی و مشروع آن ملزم می‌دانند.

حقوقدانانی که نظریه اصالت حقوق اجتماعی را باور دارند با حمایت مشروط از حق مؤلف موافق‌اند و می‌گویند این حمایت باید برای مدت معینی باشد. این دسته از حقوقدانان، پدیدآورندگان را در برابر جامعه، مدرسه، و نظام آموزشی مدیون می‌دانند و تأکید می‌کنند که جامعه حق دارد از راه‌های قانونی از آثار و عواید حاصل از آثار پدیدآورندگان بهره‌مند شود. سواى این دو دسته، عده‌ای هم هستند که موافق حمایت از حق مؤلف نیستند. شاید در میان دسته اخیر نتوان چهره حقوقدان بارزی را یافت. در هر حال می‌توان مخالفان حق مؤلف را به دو گروه عمده تقسیم کرد: ۱) گروهی که با هرگونه حق و قانونی مخالف‌اند، که عقایدشان از موضوع بحث این کتاب خارج است؛ ۲) گروهی که به جهات و دلایلی، یا فعلاً و موقتاً، با قانونهای حمایت از حق مؤلف مخالفت می‌کنند، و در استدلال‌هایشان بیشتر دفاع از مصلحت دیده می‌شود تا حقیقت. در بحث پیرامون نظریات موافقان و مخالفان پیوستن به قراردادهای جهانی حق مؤلف، به گفته‌های این دسته اشاره خواهد شد.

این دیدگاهها در فرهنگها و کشورهای مختلف، حتی در سطح بین‌المللی و در قراردادهای جهانی، بر چگونگی تدوین، وضع، و اجرای قوانین مربوط به حق مؤلف تأثیر مستقیم دارد. همان‌گونه که در هر قانون و مقرراتی دیدگاه حاکم را می‌توان دید، در قانونهای حق مؤلف نیز تلقی از حق پدیدآورنده و جامعه، و رابطه میان این دو پیداست.

اکنون به حق مؤلف در ایران اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم و سپس به حق مؤلف در سطح بین‌المللی و جهانی به اختصار می‌پردازیم.

حق مؤلف در ایران

در مجموعه قوانین رسمی ایران، به موجب دو قانون، که یکی مصوب ۳ آذر ۱۳۴۸ و دیگری ۶ دی ۱۳۵۲، و هر دو هنوز به قوت قانونی خود باقی است، از همه‌گونه آثار معنوی، از نوشته‌های علمی، فنی، ادبی، و هنری گرفته تا آثار موسیقی و دیداری-شنیداری، و آثار عکاسی و نقاشی و معماری و حتی طرحهای مهندسی حمایت می‌شود. هر دو قانون "پیشرو، مترقی و مهم بوده و هنوز هم هستند... و هیچ‌گونه بار ایدئولوژیک نداشته‌اند و صرفاً به مسائل فنی پرداختند..." (۱۱) (۵)

"قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان"، مصوب ۱۳۴۸، شامل چهارفصل، سی‌وسه ماده و سه تبصره است. در فصل یکم پدیدآورنده و اثر تعریف شده است. مؤلف، مصنف، و هنرمند "پدیدآورنده" قلمداد شده، و آنچه از راه دانش، هنر یا ابتکار پدید می‌آید، با توجه به طریقه، روش در بیان، ظهور و ایجاد آن، "اثر" خوانده شده و این مواد و مطالب در شمار اثر قرار گرفته است: (۱) کتاب، (۲) رساله، (۳) جزوه، (۴) نمایشنامه، (۵) شعر، (۶) ترانه، (۷) سرود و تصنیف، (۸) اثر سمعی و بصری برای اجرا در صحنه نمایش یا پرده سینما و تلویزیون، (۹) اثر موسیقی، (۱۰) نقاشی، (۱۱) تصویر و طرح و نقش، (۱۲) نقشه جغرافیایی ابتکاری، (۱۳) نوشته‌ها و خطهای تزئینی، (۱۴) پیکره (مجسمه)، (۱۵) اثر معماری (طرح و نقشه ساختمان)، (۱۶) اثر عکاسی ابتکاری، (۱۷) اثر ابتکاری هنرهای دستی یا صنعتی، (۱۸) نقشه قالبی و گلیم، (۱۹) اثر ابتکاری بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی، (۲۰) هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری و هر اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده پدید آمده باشد. همان‌گونه که می‌بینیم دامنه تعریف از اثر در "قانون حمایت از حقوق مؤلفان..." در ایران گسترده است و جامعیت آن موجب می‌شود که طیف بسیار وسیعی از فعالیتهای آفرینشی در محدوده حمایت قانونی قرار گیرد.

فصل دوم درباره حقوق پدیدآورندگان و شامل ۹ ماده اصلی است. در این فصل تصریح شده است که پدیدآورنده حق دارد اثرش را نشر، پخش، عرضه، و اجرا کند و بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر متعلق به اوست. نیز تأکید گردیده که حقوق پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است (ماده ۳ و ۴). تأکیدها و تصریحهای قانونی این فصل روشن و بدون ابهام است و از حق پدیدآورندگان به خوبی حمایت می‌کند.

فصل سوم شامل ۱۱ ماده اصلی و درباره مدت قانونی حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگری است. بر اساس ماده ۱۲ این فصل، پس از مرگ پدیدآورنده، حقوق قانونی متعلق به اثر یا آثار او تا ۳۰ سال به وارثان قانونی او تعلق دارد.

فصل چهارم شامل ۱۱ ماده اصلی و درباره موارد نقض قانون و تخلف از آن، و مجازات‌هایی است که برای این گونه موارد در نظر گرفته می‌شود.

این قانون و "قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی" مصوب ۱۳۵۲، هر دو، چنانچه در عمل و اجرا با مشکل روبه‌رو نباشد و محاکم قانونی و داوران بتوانند بر اساس مفاد آنها رأی مناسب را صادر کنند، به خوبی می‌تواند حقوق پدیدآورندگان ایرانی را در محدوده قانونی کشور تأمین و تضمین کند.

حق مؤلف در عرصه بین‌المللی و جهانی

در جهان کنونی، که رشد شتابناک آن از سده ۱۹ آغاز شد، محصول افکار و اندیشه‌ها، آراء، مطالعات و هنر پدیدآورندگان به سرعت از کشوری به کشورهای دیگر انتقال می‌یابد و از زبانی به زبانهای دیگر ترجمه می‌شود. در این انتقالها، اثر به صورت کتاب، مقاله و صورتهای دیگر چاپ و منتشر می‌گردد، یا به اشکال دیگر و از راه رسانه‌های دیگر در اختیار جامعه قرار می‌گیرد. در چنین جهانی دامنه حق مادی و معنوی مؤلف از مرزهای محدود کشورها فراتر رفته و وسعت جهانی یافته است.

پیشینه حق مؤلف را، بر اساس تعبیرها و دیدگاههای مختلف تا سده‌های ۱۶ و ۱۵ به عقب می‌برند. از اواخر قرن ۱۸ جنبشهایی در اروپا و امریکا پدید آمد که هدف آنها تصویب قوانینی بود که بتواند حقوق پدیدآورندگان را در کشورهای مختلف حفظ و از ترجمه بدون اجازه، چاپ غیرمجاز، و نیز اشکال دیگر جلوگیری کند. نخستین قانون حق مؤلف (کاپی‌رایت) در ۱۷۹۰ در امریکا و در ۱۷۹۳ در فرانسه تدوین شد، قانون آلمان در ۱۸۳۹ به تصویب رسید و انگلستان در فاصله سالهای ۱۸۴۴ تا ۱۸۸۶ به چندین جنبش حمایت از حق مؤلف پیوست. در همه این جنبشها به ویژه بر این بند از اعلامیه حقوق بشر تأکید می‌شد که "هرکس حق دارد منافع معنوی و مادی ناشی از هر نوع تولید علمی، ادبی، یا هنری را، که خود مؤلف آن است، حفظ کند".

نتیجه مبارزات سالیان مدید پدیدآورندگان، جنبشهای طرفداری از حق مؤلف، کش مکشهای صاحبان آثار با ناشران، و ناشران کشورهای مختلف با یکدیگر در سطح بین‌المللی، و بحث و بررسیها و اظهارنظرهای حقوقدانان، به انعقاد چند توافقنامه بین‌المللی انجامید. بر اساس این توافقنامه‌ها، کشورهایی که توافقنامه را امضا کنند از آثار یکدیگر در

کشورهای خود قانوناً حمایت می‌کنند. برای حمایت از حق مؤلف دو توافقنامه عمده جهانی وجود دارد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود. به این توافقنامه‌ها اصطلاحاً کنوانسیون نیز می‌گویند.

معاهده (کنوانسیون) برن^۱

توافقنامه‌ای بین‌المللی درباره حق مؤلف است که در ۱۸۸۶ در برن سوئیس، بیش از صد سال پیش، به امضا رسید. اصول این معاهده ناظر به این است که پدیدآورندگان تابع هر یک از کشورهای عضو، در کشورهای دیگر عضو از حقوق مشابه پدیدآورندگان همان کشور برخوردار هستند. مقررات این معاهده تا حدود زیادی سختگیرانه است و با این وصف، گذشته از کشورهای امریکایی و اروپایی، کشورهایی از آسیا و آفریقا نیز بدان پیوسته‌اند. اصول این معاهده در ۱۹۷۱ در پاریس، به سود کشورهای در حال توسعه مورد تجدید نظر قرار گرفت.

معاهده (کنوانسیون) ژنو^۲، یا معاهده جهانی حق مؤلف^۳

توافقنامه‌ای است درباره حق مؤلف که در ۱۹۵۲ در مقر سازمان ملل متحد در ژنو به امضا رسید و ظاهراً تاکنون بیش از ۷۰ کشور عضویت در آن را پذیرفته‌اند و اصول و شرایط آن را در کشور خود مراعات می‌کنند. این معاهده شامل ۲۱ ماده اصلی و یک الحاقیه است. الحاقیه، آیین‌نامه‌ای است که اصول معاهده ژنو را در چارچوب فعالیت‌های فرهنگی یونسکو، و به سود کشورهای جهان سوم و تنگدست ملایم ساخته است. و هدف از تدوین آن، متمایل ساختن این گونه کشورها به پیوستن به معاهده بوده است.

در ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۱ در معاهده جهانی مصوب ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ تجدید نظر شد و به صورت ۲۱ ماده اصلی، اعلامیه الحاقی، تصمیم‌نامه و دو مقاله‌نامه درآمد و از طریق اینها سعی شد از معارضه احتمالی میان معاهده برن و ژنو کاملاً پرهیز شود و میان آن دو همزیستی و هماهنگی برقرار گردد.

به طور کلی در هر دو معاهده سعی شده است حق مؤلف از تجاوز متدیان و حقوق مؤلفان مصون بماند و در همه کشورهای عضو مراعات گردد. البته میان برخی از مواد دو معاهده تفاوت هست. برای مثال، به موجب معاهده برن، اثر پس از مرگ مؤلف به مدت ۵۰ سال مشمول

1. The Berne Convention (BC)

2. The Geneve Convention (GC)

3) The Universal Copyright Convention (UCC)

حمایت قانونی است و به موجب معاهده ژنو به مدت ۲۵ سال. در هر صورت اثری که در یک کشور مشمول قانون حق مؤلف شود، خودبه خود در همه کشورهای که عهدنامه را پذیرفته اند، مشمول قانون قرار می‌گیرد.

تاکنون (تابستان ۱۳۷۳) نزدیک به ۱۳۰ کشور جهان در یکی از معاهده‌ها یا سازمانهای مدافع حق مؤلف عضویت دارند. برخی از کشورهای جهان، از جمله کشورهای اروپایی، در همه معاهده‌ها و سازمانهای مدافع از حقوق مؤلف عضو هستند. ایران و شماری از کشورهای در حال توسعه بنابه دلایلی، که به اختصار توضیح داده خواهد شد، هنوز به هیچ یک از معاهده‌های جهانی حق مؤلف پیوسته‌اند.

دلایل مخالفان و موافقان پیوستن به معاهده‌های جهانی حق مؤلف

بی‌گمان دلایل مخالفان و موافقان پیوستن، از دیدگاهها و بر اساس نگرشها و ملاحظات مختلف است. پرداختن به اصل و ریشه‌های اینها در این بحث کوتاه میسر نیست و تنها به برشمردن فهرستوار موارد کلی اکتفا می‌شود.

دلایل مخالفان

دلایل مخالفان پیوستن به یکی از معاهده‌های جهانی اجمالاً اینهاست:

۱. معاهده‌های جهانی حق مؤلف، برای ایران و کشورهای در حال توسعه دیگری که بدانها پیوندند، تعهدات مالی تازه‌ای ایجاد می‌کند و موجب می‌شود که هزینه نشر، و مآلاً قیمت کتاب، بالا برود و این خود سبب خواهد شد که صنعت نشر ضعیف و کم‌بینه از بار مالی جدید ضعیف‌تر و کم‌توان‌تر شود و به بنیه علمی و فرهنگی کشور آسیب وارد آید.
۲. پیوستن، مستلزم اجازه گرفتن از صاحبان حق است و ناشران کشورهای در حال توسعه توانایی مکاتبه با خارج، تحصیل اجازه و مجوز قانونی را ندارند.
۳. پیوستن، نوعی همکاری را نیز ایجاب می‌کند، و برای ناشران تنگدست و از لحاظ فنی ناتوان و کم‌توان کشورهای در حال توسعه، آمادگی همکاری با ناشران بین‌المللی و خارجی وجود ندارد.
۴. پیوستن، برای این کشورها، حکم جاذبه یکطرفه را دارد و شمار مطالبی که از زبانهای خارجی به زبان بومی ترجمه و منتشر می‌شود، با تعدادی که از زبان بومی به آنها ترجمه و منتشر می‌شود قابل مقایسه نتواند بود، و بنابراین در نهایت و در مجموع به زیان کشورهای کم‌توان و به سود کشورهای نیرومند است.

۵. پیوستن، در عین حال میان ناشران داخلی تفاوت و تبعیض به بار می‌آورد و موجب خواهد شد ناشرانی که قدرت فنی و توان مالی بیشتری دارند ابتکار عمل را به دست بگیرند و ناشران ضعیف جبراً از میدان بیرون رانده خواهند شد. به عبارت دیگر، عرصه رقابت، قوی را حفظ و ضعیف را حذف خواهد کرد.

۶. چون پیوستن محدود به کتاب نیست و روزنامه، مجله، خبررسانه‌ها، حتی فتوکپی مطالب، طرحها، نمودارها، تصویرها، لوحه‌ها، مدلها، نرم‌افزارها و بسیاری چیزهای دیگر را نیز شامل می‌شود، مجموعاً چنان تعهد سنگینی ایجاد می‌کند که برای کشورهای در حال توسعه کمرشکن خواهد بود.

از این دلایل که بگذریم، عده‌ای از مخالفان، دلایل مخالفتشان را با استدلالهای سیاسی و اخلاقی همراه می‌کنند. فی‌المثل می‌گویند که چون کشورهای قدرتمند ثروتهای ما را چپاول کرده‌اند، یا علم و دانش گذشته ما را گرفته و جزو میراث کنونی خود قرار داده‌اند، پس ما حق داریم از آثار آنها به رایگان استفاده کنیم. حق داریم هرطور که خواستیم استفاده کنیم بدون آنکه در قبال آنها هیچ‌گونه تعهدی داشته باشیم.

دلایل موافقان

۱. انتشار آثار با رضایت صاحبان حق خواهد بود.
۲. با پیوستن، امکان برقراری ارتباط مستقیم با مؤلف و ناشر فراهم می‌آید و می‌توان بسیاری از پرسشها را مستقیماً طرح کرد.
۳. امکان همکاری فنی با ناشران اصلی آثار به وجود می‌آید.
۴. با پیوستن، به اصل فیلمها، تصویرها، نقشه‌ها و سایر مواد بصری دیگر می‌توان دست یافت، و اینها کیفیت و ارزش آثار را بالا می‌برد.
۵. پیوستن، موجب می‌شود که در انتخاب منابع برای ترجمه دقت بیشتری به کار رود، ترجمه‌ها به اصول و حدود استاندارد نزدیک شود، و به طور کلی کارآیی فنی داخلی افزایش یابد.
۶. با پیوستن، می‌توان به آثار زیر چاپ دست یافت و از این‌رو امکان انتشار همزمان، به ویژه برای آثاری که اهمیت آنها در جهان در نشر همزمان است، میسر می‌گردد.
۷. آثار داخلی به خارج راه می‌یابد، معرفی می‌شود و از این راه می‌توان در فرهنگ جهانی جایگاه مناسب و در خور خود را یافت.

۸. پولی که از راه پیوستن می‌پردازیم، نه تنها به هدر نمی‌رود، بلکه به خلاقیت در مقیاس جهانی کمک می‌کند.

۹. با پیوستن، دیگر آماج این اتهام از سوی بسیاری از کشورها و محافل و جنبشها و سازمانهای مدافع حق مؤلف نخواهیم بود که جزو کشورهای قانون‌شکن یا بی‌اعتنا به حقوق بشر و نظایر آنها هستیم، در عین حال حق مؤلف در داخل کشور با حق مؤلف در سطح جهانی و بین‌المللی هماهنگ خواهد شد و بنابراین حقوق مؤلفان، در هر سو که باشند، محفوظ خواهد ماند.

۱۰. در ضمن با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی ایران، گفته می‌شود که با پیوستن، سرمایه‌ها و فعالیتهایی به ایران انتقال خواهد یافت و این موجب می‌شود که هم صنعت چاپ و نشر داخلی تقویت گردد و هم پای ایران به صحنه فعالیت‌های بین‌المللی باز شود.

۱۱. جلوگیری از ترجمه‌های مکرر، دوباره‌کاری، تکثیر غیرمجاز آثار ایرانی در خارج، فعالیت‌ها و به روز شدن مطبوعات و چند مورد دیگر نیز از جمله فایده‌هایی است که طرفداران پیوستن برمی‌شمرند.

به معاهده‌های جهانی باید پیوست یا نه؟

بحث میان صاحب‌نظران ایرانی، بر اساس دیدگاههای موافق و مخالف، تاکنون به نقطه تعیین‌کننده‌ای نرسیده است. دولت ایران نیز فعلاً در قبال این قضیه موضع رسمی نگرفته است. البته از دیدگاه موافقان پیوستن ایران به معاهده‌های جهانی، سکوت دولت ایران در شرایطی که ایران به رغم اعتراضها و فشارهای مکرر خارجی هنوز به هیچ یک از معاهده‌ها نپیوسته، به مخالفت دولت ایران با پیوستن تعبیر می‌شود. مطمئناً سکوت دولت در این باب، و مسکوت ماندن موضوع پیوستن یا نپیوستن، نمی‌تواند برای مدتی طولانی ادامه بیابد، زیرا سازمانها، نهادها و فعالیت‌های بین‌المللی به هم پیوسته و درهم تنیده است. کشورها نمی‌توانند بخشی از نظام جهانی را بپذیرند و بخشی را نپذیرند. برای مثال، در نظام کنونی جهانی، کشورها از همکاری در چارچوب "موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت" (گات)^۱ گریزی ندارند. یکی از شرایط لازم پیوستن به گات، پذیرفتن برخی از میثاقهای خاص بین‌المللی، و از جمله عضویت در معاهده جهانی حق مؤلف است. برای کشوری مانند ایران که به اقتضای موقعیت، جمعیت، نقش و استعدادهای طبیعی و اجتماعی‌اش نمی‌تواند از صحنه فعال جهانی دور بماند. ادامه

1. General Agreement on Tarriffs and Trade (GATT)

حالت کنونی تعلیق احتمالاً دیری نخواهد پایید و ایران به میل یا به اکراه به یکی از معاهده‌های جهانی خواهد پیوست.

یادداشت حق مؤلف

در کتابها، صفحه پشت صفحه عنوان بلند را اصطلاحاً صفحه حقوق می‌نامند. در این صفحه، گذشته از نامهایی که باید حتماً ذکر شود تا حقوق خاص آنها در آن کتاب شناخته و حفظ شود، معمولاً نماد و یادداشتی است که حق مؤلف را تصریح می‌کند. برای مثال، در کتابهای فارسی معمولاً در این صفحه و در سطرهای آخر یا آخرین سطر آن، از این قبیل عبارتها می‌نویسند: "حق چاپ محفوظ"؛ "حق طبع محفوظ است"؛ "همه حقوق برای ناشر محفوظ است"؛ یا "حقوق برای مؤلف محفوظ است"، و عبارتهای دیگری از این قبیل. این عبارتها به این معناست که هیچ کس جز آنکه به حق او اشاره شده است، نمی‌تواند کتاب را چاپ کند، و اگر دست به این کار بزند، با قانون روبه‌روست.

کشورهایی که به این معاهده‌های حق مؤلف پیوسته‌اند، نماد © را در صفحه حقوق و معمولاً وسط همین صفحه چاپ می‌کنند، برای مثال: © 1994 by L. Seashore که معنای آن این است که این کتاب برای نخستین بار در ۱۹۹۴ چاپ شده و حق مؤلف از آن ال. سی شور است. این نماد که اکنون در شمار نمادهای رایج بین‌المللی است، در ۱۹۵۲ در کنوانسیون ژنو برگزیده شد. نماد ® به معنای این است که حقوق برای ناشر اثر محفوظ است.

نماد حق مؤلف تنها برای کتاب به کار نمی‌رود، بلکه نوعی اطلاعیه و اعلام حقوقی است که روی انواع و اقسام مواد چاپی، مانند جزوه‌ها، برخی تصویرها، دیوارکوبها، نرم‌افزارها، بسته‌های آموزشی و مانند آنها گذاشته می‌شود و بر حق مؤلف و حفظ و حمایت قانونی آن تصریح دارد. ■

مآخذ:

۱. ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین. راهنمای آماده ساختن کتاب.... تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۲. امامی، کریم. "در جستجوی قرارداد منصفانه برای مؤلفان و مترجمان"، نشر دانش، دوره ۳، ش ۳ (فروردین ۱۳۶۲): ۸۶-۹۳.
۳. ایران. قوانین و مقررات. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان. تهران، ۱۳۶۵.

۴. ایرانی، ناصر. "مسئله این است، پیوستن یا نپیوستن به میثاق حق مؤلف". نشر دانش، دوره ۱۴، ش ۳ (فروردین ۱۳۷۳): ۲ - ۷.
۵. پهلوان، چنگیز. "حمایت از پدیدآورندگان و انجمن نویسندگان از نگاهی دیگر"، کلک، ش ۷ (مهر ۱۳۶۹): ۱۷۳ - ۱۸۳.
۶. عرب اسدی، محمدحسن. "حق مؤلف: مفهوم و کاربرد"، پیام کتابخانه، دوره ۲، ش ۴ (زمستان ۱۳۷۱): ۱۲ - ۱۹؛ دوره ۳، ش ۱ (بهار ۱۳۷۲): ۵۴ - ۵۹.
۷. مرادی، نورالله. "حق مؤلف". نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۶، ش ۲ (تابستان ۱۳۵۲): ۸۳ - ۱۰۶؛ ش ۳ (پاییز ۱۳۵۲): ۴۳ - ۶۶.
۸. مشیریان، محمد. "لزوم حمایت حق مؤلف". راهنمای کتاب، دوره ۴، ش ۵ و ۶ (مرداد و شهریور ۱۳۴۰): ۴۶۱ - ۴۶۶.
۹. نراقی، مهدی. "اهمیت حق مؤلف در دنیا و ایران". در: کتابنمای ایران، گردآورده چنگیز پهلوان، دفتر یکم، تهران ۱۳۶۶، ص ۳۲۳ - ۳۲۸.
10. Collin, P. H. *Dictionary of Printing and Publishing*. Teddington, 1989.
11. Emami, Karim. "Copyright". in: *Encyclopedia Iranica*, n. d.